

نشانه استمرار در لهجه‌ها و گویش‌های ایرانی

ایران کلباسی (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

مقدمه

پژوهشگرانی که در زمینه زبان فارسی و گویش‌های ایرانی مطالعه می‌کنند، اطلاع دارند که خاورشناسان غربی، سال‌ها قبل، گویش‌های ایرانی را، بر اساس موازین آواشناسی تاریخی، به دسته‌هایی چون شرقی، شمال غربی و جنوب غربی تقسیم کرده‌اند. نتیجه این تقسیم‌بندی این شده است که امروزه همه ما، به عنوان پژوهشگر ایرانی، بدون هیچ‌گونه تفکری درباره صحت یا سقم آن، این تقسیم‌بندی را پذیرفته‌ایم و در نوشته‌های خود به کار می‌بریم.

برای نگارنده، که سال‌ها علاقه خود را به مطالعات گویشی معطوف داشته، گاهی پرسش‌هایی در این باره مطرح شده است. مثلاً چرا ما گویش‌های کناره دریای خزر، چون گیلکی و مازندرانی، و گویش‌های مرکزی، چون دری زردشتی و گزی، را جزو یک طبقه می‌دانیم و آنها را در دسته گویش‌های شمال غربی قرار می‌دهیم، در صورتی که این گویش‌ها از نظر ساخت دستوری با یکدیگر تفاوت فاحشی دارند. قرار دادن گویش‌هایی چون بندرعباسی و جیرفتی با فارسی امروز در طبقه جنوب غربی نیز سؤال‌برانگیز است، چون تفاوت دستوری این نوع گونه‌های زبانی نیز کاملاً محسوس است.

برای یافتن پاسخ این‌گونه پرسش‌ها، به نظر من، اگر نکات دستوری واحدی را در گویش‌های مختلف ایرانی مورد بررسی قرار دهیم، شاید بتوانیم، از طریق شباهت‌ها و تفاوت‌های دستوری به دست آمده، به طبقه‌بندی‌های جدید گویشی دست یابیم. البته

این نوع طبقه‌بندی بر اساس ملاک‌های دستوری و موازین زبان‌شناختی توصیفی خواهد بود، و نه صرفاً بر اساس معیارهای آواشناختی، که مثلاً صدای [b] در فلان گویش [b] است یا [v]، چون «باران» و «واران»؛ یا صدای [d] در گویش دیگر [d] است یا [z]، چون «داماد» و «زاماد».

نگارنده در این راستا تا کنون چهار نکته دستوری را در گویش‌های ایرانی مورد بررسی قرار داده و نتایج به دست آمده را در مقالات زیر منعکس کرده است:

۱. «ارگتیو در زبان‌ها و گویش‌های ایرانی»، مجله زبان‌شناسی، س ۵، ش ۲، ۱۳۶۷. این مقاله حاصل بررسی پانزده گویش ایرانی است.

۲. «نشانه جمع در لهجه‌ها و گویش‌های ایرانی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، س ۲۷، ش ۲، ۱۳۷۳. در این مقاله، بیست لهجه و گویش ایرانی مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

۳. «نقش و جای شناسه فعلی و ضمیر پیوسته در گویش‌های ایرانی». این مقاله، که نتیجه بررسی سی لهجه و گویش ایرانی است، در پنجمین فراهمایی (کنفرانس) زبان‌شناسی (اسفند ۱۳۷۹)، در دانشگاه علامه طباطبائی، به صورت سخنرانی ایراد گردید.

۴. مقاله حاضر که، با عنوان «نشانه استمرار در لهجه‌ها و گویش‌های ایرانی»، در نخستین هم‌اندیشی گویش‌شناسی ایران (اردیبهشت ۱۳۸۰) در فرهنگستان زبان و ادب فارسی به صورت سخنرانی ایراد گردید. این مقاله حاصل بررسی هفتاد و یک لهجه و گویش ایرانی است.^۱

(۱) لهجه‌ها و گویش‌های بررسی شده در این مقاله عبارت‌اند از: آرائی، ابیانه‌ای، آفتری، بلوچی، بندرعباسی، بورینگونی، پاپونی، تاتی تاکستان، تاتی کلور، تاتی ینگلی امام، تاجیکی، تالشی اسالم، تالشی طاسکوه ماسال، تالشی میرزاق اردبیل، جوشقانی، جیرفتی، خانیکی، خنجی، خوانساری، دری زردشتی، دلیجانی، دماوندی، دوانی، زابلی، سبزواری، سدهی، سمنانی، شاهرودی، اوزی، فارسی، قائنی، کاخکی، کردی خراسان، کردی روستای حریر، کردی سلیمانیه، کردی سنندج، کردی کرمانشاه، کردی کلیایی، کردی مهاباد، گُزشی، گویش کلیمیان اصفهان، گویش کلیمیان بروجرد، گویش کلیمیان همدان، گراشی، گزی، گیلکی املش، گیلکی حسن‌کیاده، گیلکی دستک، گیلکی رشت، گیلکی لشت‌نشاء، لاری، لری بختیاری اردل، لری بختیاری مسجدسلیمان، لری بویراحمد، لری بهبهان، لکی خواجه‌وندی کلاردشت، لکی درّه‌شهر، لکی کاکاوندی قزوین، مازندرانی تنکابن، مازندرانی رامسر، مازندرانی ساری، مازندرانی سوادکوه، مازندرانی کلاردشت، مازندرانی کلیچ خیل، ماسرمی، میمه‌ای، نائینی، واران، هروی و همدانی.

تعریف استمرار در زبان

استمرار^۲ اصطلاحی است که در تحلیل دستوری نمود^۳ به کار می‌رود و به تداوم عمل در دوره‌ای از زمان اطلاق می‌شود.

انواع استمرار در گویش‌های ایرانی

استمرار، در لهجه‌ها و گویش‌های ایرانی، در زمان‌های حال و گذشته وجود دارد و دارای نشانه‌های متعددی است. این نشانه‌ها، در این مقاله، به ۲۱ طبقه کلی تقسیم شده‌اند:

۱. [da-]

این پیشوند به معنی «در» و دارای انواع زیر است:

الف. [da-]، که در کردی مهاباد و کردی خراسان به کار می‌رود و در جاهای زیر قرار می‌گیرد:

– در آغاز فعل، قبل از ستاک فعلی

- 1) da-hēn-im (کردی مهاباد)
می‌آورم
da-xâst-em (کردی خراسان)
می‌خواستم

– در آغاز فعل، قبل از ضمیر فاعلی

- 2) da-m-hēnâ (کردی مهاباد)
می‌آوردم

– بین ضمیر فاعلی و ستاک فعلی

- 3) me-da-čând (کردی خراسان)
می‌کاشتم
na-m-da-hēnâ (کردی مهاباد)
نمی‌آوردم

ب. [de-]، که در گویش وارانی کاربرد دارد و در آغاز فعل قبل از ستاک فعلی قرار می‌گیرد:

- 4) de-gard-a (وارانی)
می‌گردد

ج. [d-]، که در گویش خوانساری به کار می‌رود و پس از پیشوندهای مختوم به واکه می‌آید:

- 5) hâ-d-gir-ân (خوانساری)
می‌گیرم
vâ-d-xor-ân (خوانساری)
می‌نوشم

نمی‌خورم (خوانساری) nâ-d-xor-ân

د. [ed-]، که در گویش خوانساری کاربرد دارد و با افعال بدون پیشوند به کار می‌رود:

- ۶) می‌برم (خوانساری) ed-ber-ân
 می‌گریست (خوانساری) ed-boroft-φ

۲. [a-]

این پیشوند که، به احتمال قریب به یقین، کوتاه‌شده [da-] است در جاهای زیر قرار می‌گیرد:

– در آغاز فعل، قبل از ستاک فعلی، که در گویش‌های کردی روستای حریر، کردی سلیمانیه، کردی سنندج، کردی کلیایی، آرانی، تالشی اسالم، دلیجانی، جیرفتی، جوشقانی، خنجی، اوزی، بندرعبّاسی، لاری، گراشی، میمه‌ای، بلوچی، کُرسی و واران‌ی کاربرد دارد:

- ۷) می‌خوردم (کردی روستای حریر) a-xwârd-em

می‌فرستم (کردی سلیمانیه) a-nêr-im

می‌خورم (کردی سنندج) a-xwa-m

می‌نشینم (کردی کلیایی) a-nîš-em

می‌خورم (آرانی) a-xor-o

می‌رفتم (تالشی اسالم) a-ši-m

می‌روم (دلیجانی) a-š-on

می‌زنم (جیرفتی) a-zen-om

می‌روم (جوشقانی) a-š-am

می‌بینی (خنجی) a-ben-eš

می‌بافی (اوزی) a-bâf-eš

می‌کارم (بندرعبّاسی) a-kâr-om

می‌زنم (لاری) a-zen-em

می‌روم (گراشی) a-č-am

می‌رود (میمه‌ای) a-š-c

می‌شکنم (بلوچی) a-proš-ân

می‌روم (کرشی) a-rr-ân

می‌خواند (وارانی) a-xun-c

– در آغاز فعل، قبل از ضمیر فاعلی، که در گویش‌های میمه‌ای، دلیجانی و کردی

سنندج به کار می‌رود:

- 8) a-m-ka (میمه‌ای) می‌کردم
a-m-di (دلیجانی) می‌دیدم
a-m-xwârd (کردی سنندج) می‌خوردم

— در آغاز فعل، قبل از ضمیر مفعولی، که در گویش میمه‌ای کاربرد دارد:

- 9) a-m-xus-c (میمه‌ای) می‌زندم

— بین ضمیر فاعلی و ستاک فعلی، که در گویش‌های آرانی، بندرعباسی، جوشقانی و خنجی به کار می‌رود:

- 10) d-a-vâ (آرانی) می‌گفتی
m-a-ra (بندرعباسی) می‌رفتم
m-a-goft-i (بندرعباسی) می‌گفتمش
m-a-ka (جوشقانی) می‌کردم
m-a-got-c (خنجی) می‌گفتم

— بین پیشوند اشتقاقی و ستاک فعلی، که در گویش‌های آرانی و دلیجانی به کار

می‌رود:

- 11) ho-[v]a-čîn-o (آرانی) می‌نشینم
ver-a-čên-on (دلیجانی) برمی‌چینم

— بین پیشوند نفی و ستاک فعلی، که در گویش آرانی کاربرد دارد:

- 12) hâ-n-a-čîn-o (آرانی) نمی‌نشینم

— بین ضمیر مفعولی و ستاک فعلی، که در گویش‌های بندرعباسی و لاری به کار

می‌رود:

- 13) m-a-zen-i (بندرعباسی) می‌زنی‌ام
š-a-zen-em (لاری) می‌زنمش

— بین جزء غیرفعلی و جزء فعلی، در فعل مرکب، که در گویش دلیجانی به کار

می‌رود:

- 14) abar-a-kar-a (دلیجانی) بیرون می‌کند

۳. [c-] یا [-c]

این وند هم به صورت پیشوند و هم به صورت پسوند به کار می‌رود و در جاهای زیر قرار می‌گیرد:

— در آغاز فعل، قبل از ستاک فعلی، که در گویش‌های ابیان‌های، لری بختیاری مسجدسلیمان، لری بختیاری اردل، خوانساری، واران‌ی و دری زردشتی کاربرد دارد:

- 15) e-voj-on (ابیانه‌ای) می‌گویم
 e-rev-om (لری بختیاری مسجدسلیمان) می‌روم
 e-r-om (لری بختیاری اردل) می‌روم
 e-čč-ân (خوانساری) می‌آیم
 e-gez-a (واران‌ی) می‌گزد
 (e)-vin-i (دری زردشتی) می‌بینی

— در آغاز فعل، قبل از پیشوند نفی، که در دری زردشتی به کار می‌رود:

- 16) (e)-na-dav-i (دری زردشتی) نمی‌دوی

— بین ضمیر فاعلی و ستاک فعلی، که در گویش‌های خوانساری، ابیان‌های و دری زردشتی کاربرد دارد:

- 17) em-e-bert (خوانساری) می‌بردم
 m-e-vot (ابیانه‌ای) می‌گفتم
 m-e-did (دری زردشتی) می‌دیدم

— بین ضمیر فاعلی و پیشوند نفی، که در گویش دری زردشتی کاربرد دارد:

- 18) m-e-na-did (دری زردشتی) نمی‌دیدم

— بین پیشوند اشتقاقی و ستاک فعلی، که در گویش‌های ابیان‌های و خوانساری به کار می‌رود:

- 19) ho-[v]e-čîn-on (ابیانه‌ای) می‌نشینم
 der-e-xoft-φ (خوانساری) می‌خوابید

— در پایان فعل، پس از شناسه فعلی، که در گویش‌های گزی، سده‌ی، دری زردشتی و گویش کلیمیان اصفهان به کار می‌رود:

- 20) xer-ân-e (گری) می‌خورم
 âr-ân-e (سده‌ی) می‌آورم
 na-dav-im-e (دری زردشتی) نمی‌دویم
 puš-un-e (گویش کلیمیان اصفهان) می‌پوشم

۴. [i-] یا [-i]

این وند هم به صورت پیشوند و هم به صورت پسوند به کار می‌رود و در جاهای زیر قرار می‌گیرد:

– در آغاز فعل، قبل از ستاک فعلی، که در گویش‌های لری بویراحمد و لری بختیاری اردل کاربرد دارد:

- 21) i-rav-om (لری بویراحمد)
می‌روم
i-šmârd-om (لری بختیاری اردل)
می‌شمردم

– بین ستاک فعلی و شناسه فعلی، که در گویش‌های تالشی طاسکوه ماسال، گیلکی لشت‌نشاء و گیلکی رشت کاربرد دارد:

- 22) vin(d)-i-m (تالشی طاسکوه ماسال)
می‌دیدم
š-i-ϕ (تالشی طاسکوه ماسال)
می‌رفت
xast-i-ϕ (گیلکی لشت‌نشاء)
می‌خواست
xurd-i-m-(i) (گیلکی رشت)
می‌خوردم
xurd-i-ϕ (گیلکی رشت)
می‌خورد

برای این که نقش [i] در گویش‌های اخیر بهتر شناخته شود، به گذشته ساده شواهد مذکور توجه فرمایید:

- vind-əm-a (تالشی طاسکوه ماسال)
دیدم
š-a (تالشی طاسکوه ماسال)
رفت
bə-xast-ə (گیلکی لشت‌نشاء)
خواست
bu-xurd-əm (گیلکی رشت)
خوردم
bu-xurd-ə (گیلکی رشت)
خورد

– در پایان فعل، پس از شناسه فعلی، که در گویش‌های گیلکی حسن‌کیاده و گیلکی رشت دیده شده است:

- 23) xor-id-i (گیلکی حسن‌کیاده)
می‌خوردید
xor-im-i (گیلکی حسن‌کیاده)
می‌خوریم
xur-id-i (گیلکی رشت)
می‌خوردید
xur-id-i (گیلکی رشت)
می‌خوردند

۵. [-imi]

این وند، به صورت پسوند، بین ستاک فعلی و شناسه فعلی قرار می‌گیرد و تنها در گویش مازندرانی کلاردشت دیده شده است:

- 24) xor(d)-imi-yame (مازندرانی کلاردشت)
می‌خوردم
bar(d)-imi-yame (مازندرانی کلاردشت)
می‌بردم

گذشته ساده مثال‌های اخیر به صورت زیر است:

ba-xord-eme (مازندرانی کلاردشت)

ba-berd-eme (مازندرانی کلاردشت)

۶. [-en]

این وند، به صورت پسوند، پس از ستاک فعلی قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد کوتاه‌شده واژه [andar] باشد و دارای گونه‌های زیر است:

الف. [-en] یا [-ən]، که در گویش‌های مازندرانی کلاردشت، مازندرانی تنکابن، مازندرانی سوادکوه، مازندرانی رامسر و تالشی میرزاق اردبیل به کار می‌رود:

می‌نشیند (مازندرانی کلاردشت) 25) niš-en-e

می‌سوزم (مازندرانی تنکابن) suĵ-ən-om

می‌پزم (مازندرانی تنکابن) pač-ən-om

می‌سوختم (مازندرانی تنکابن) suĵ/sut-ən-ə-b ā-m

می‌خورند (مازندرانی سوادکوه) xer-en-ne

می‌افتادم (مازندرانی رامسر) kat-ən-ā-bā-m

می‌شنوم (تالشی میرزاق اردبیل) mas-ən-am

ب. [-(e)m]، که در گویش‌های مازندرانی ساری، مازندرانی سوادکوه و مازندرانی

کلیچ‌خیل به کار می‌رود:

می‌روم (مازندرانی ساری) 26) šu-m-be

می‌خورم (مازندرانی سوادکوه) xer-em-be

می‌خورم (مازندرانی کلیچ‌خیل) xer-em-be

ج. [-n]، که در گویش‌های مازندرانی ساری، مازندرانی سوادکوه، مازندرانی

تنکابن، مازندرانی کلاردشت و تالشی میرزاق اردبیل به کار می‌رود:

می‌خورد (مازندرانی ساری) 27) xor-n-e

می‌خوری (مازندرانی سوادکوه) xer-n-i

می‌روم (مازندرانی تنکابن) šo-n-om

می‌خورد (مازندرانی کلاردشت) xor-n-e

می‌نشینم (تالشی میرزاق اردبیل) neš-n-am

د. [- (e)nn]، که در افتری کاربرد دارد:

می‌خواهم (افتری) 28) xos-cnn-i

می‌گویم (افتری) vā-nn-i

۷. [hemi-]

این وند، به صورت پیشوند، قبل از ستاک فعلی قرار می‌گیرد و تنها در گویش شاهرودی به کار می‌رود و دارای انواع زیر است:

الف. [hemi-]

- می‌آیم (شاهرودی) hemi-yâ-yom (29)
می‌شدم (شاهرودی) hemi-bi-yom

ب. [hen-]

- می‌گویم (شاهرودی) hen-g-om (30)
می‌پوشم (شاهرودی) hen-püş-om
برمی‌گردم (شاهرودی) var-hen-gerd-om

ج. [he-]

- می‌رفتم (شاهرودی) he-raft-om (31)
می‌روم (شاهرودی) he-r-om
می‌شوم (شاهرودی) he-š-om

د. [ho(n)-]

- می‌گفت (شاهرودی) hon-goft-φ (32)
می‌خوانم (شاهرودی) ho-xân-om

گونه‌های [hemi-] تابع بافت آوایی فعل است.

۸. [mi-]

این وند، به صورت پیشوند، قبل از ضمیر فاعلی و قبل از ستاک فعلی یا بعد از پیشوند اشتقاقی قرار می‌گیرد. [mi-] گونه‌های مختلفی دارد که واژه هر یک از آنها به تبعیت از واژه بعد از خود و یا نوع گویش تغییر می‌کند. این گونه‌ها عبارت‌اند از:

الف. [mi-]، که علاوه بر فارسی و لهجه‌های آن در گویش‌های لری بهبهان، تاتی ینگلی امام، لکی کاکاوندی قزوین، هروی، افتری، ماسر می، سمغونی، پاپونی، سمنانی، تاتی تاکستان و بورینگونی به کار می‌رود:

- می‌دیدم (لری بهبهان) mi-m-dit (33)
می‌سوختم (لری بهبهان) mi-soxt-am
می‌خوابیدم (تاتی ینگلی امام) mi-xet-em
می‌خوابم (لکی کاکاوندی قزوین) mi-yes-em

می‌دوزد (هروی) mi-duz-a
 می‌خوابیدم (افتری) mi-xotešt-i
 می‌کنم (ماسر می) mi-kun-om
 می‌کنم (سُمنغونی) mi-kun-am
 می‌کنم (پاپونی) mi-kon-am
 می‌آیم (سمنانی) mi-y-un
 می‌ریزم (تاتی تاکستان) mi-riž-em
 می‌کنم (بورینگونی) mi-kun-om

ب. [mo-]، که در گویش‌های لری بهبهان، سبزواری، تاتی تاکستان، قائنی، دماوندی و سمنانی به کار می‌رود:

می‌دوم (لری بهبهانی) 34) mo-dov-am
 می‌بُرم (سبزواری) mo-br-om
 می‌خوردم (تاتی تاکستان) mo-xârd-em
 می‌خورم (قائنی) mo-xor-om
 می‌خوابم (دماوندی) da-mo-xos-am
 می‌پُرسم (دماوندی) mo-pors-am
 می‌خورم (سمنانی) mo-xor-un

ج. [ma-]، که در گویش‌های لکی خواجهوندی کلاردشت، لکی کاکاوندی قزوین، لکی درّه شهر، خانیکی و کاخکی کاربرد دارد:

می‌افتم (لکی خواجهوندی کلاردشت) 35) ma-kaf-em
 می‌روم (لکی کاکاوندی قزوین) ma-č-em
 می‌خندم (لکی درّه شهر) ma-xan-om
 می‌خورم (خانیکی) ma-xor-om
 می‌خوانم (کاخکی) var-ma-xun-om

د. [mâ-]، که در لهجه همدانی کاربرد دارد:

می‌خوابم (همدانی) 36) mâ-xâb-am
 می‌خوابیدم (همدانی) mâ-xâbid-am

ه. [me-]، که در گویش‌های لری بهبهان، سبزواری، دماوندی، تاتی تاکستان، زابلی، قائنی و سمنانی کاربرد دارد:

می‌نشینم (لری بهبهان) 37) me-šin-am
 می‌خوردم (سبزواری) me-xârd-om

me-dut-am می‌دوختم (دماوندی)
 me-xanden-em می‌خندانم (تاتی تاکستان)
 me-g-i می‌گویی (زابلی)
 me-xer-om می‌خرم (قائنی)
 me-nin-un می‌نشینم (سمنانی)

و. [mē-] با [ē] کشیده، که در گویش‌های تاجیکی و هروی به کار می‌رود:

38) mē-rav-ēm می‌رویم (تاجیکی)
 mē-raft-ēm می‌رفتیم (تاجیکی)
 mē-rēz-a می‌ریزد (هروی)

ز. [mey-]، که در گویش دوانی به کار می‌رود:

39) mey-ven-e می‌بندم (دوانی)
 mey-či-ye می‌نشینم (دوانی)

ح. [m-]، که در گویش‌های لکی خواجهوندی کلاردشت، لکی درّه‌شهر، لکی کاکاوندی قزوین، زابلی و تاتی تاکستان کاربرد دارد:

40) m-âr-em می‌آورم (لکی خواجهوندی کلاردشت)
 m-âr-om می‌آورم (لکی درّه‌شهر)
 m-âr-om می‌آورم (لکی کاکاوندی قزوین)
 m-xâr-a می‌خورد (زابلی)
 m-âj-e می‌گوید (تاتی تاکستان)

ط. [o-] که در لری بختیاری اردل کاربرد دارد:

41) o-g-om می‌گویم (لری بختیاری اردل)

۹. [â-] یا [-â]

این وند، به صورت پیشوند یا پسوند، قبل یا بعد از ستاک فعلی قرار می‌گیرد و دارای گونه‌های زیر است:

الف. [â]، که هم به صورت پیشوند و هم به صورت پسوند به کار می‌رود. در بعضی از گویش‌ها مانند خنجی پیشوند [â-] از ترکیب وند استمرار [a-] و واکه قبل از آن به دست می‌آید. این وند در گویش‌های بلوچی، خنجی، گُرش، گِراشی، اوزی، لاری و گویش کلیمیان همدان کاربرد دارد:

42) prôšag-â-yân دارم می‌شکنم (بلوچی)

داشتم می‌شکستم (بلوچی) prōšag-â-yat-ân
 دارم می‌گویم (بلوچی) gwašag-â-yân
 داشتم می‌گفتم (بلوچی) gwašag-â-yat-ân
 دارم می‌گویم (خنجی) got-â-m
 داشتم می‌گفتم (خنجی) om-got-â-stod
 دارم می‌روم (خنجی) čed-â-m
 داشتم می‌رفتم (خنجی) čed-â-stod-om
 می‌زدیم (خنجی) m-â-zat
 نمی‌گویم (خنجی) n-â-g-om
 نمی‌گفتم (خنجی) om-n-â-got
 نمی‌رفته‌ام (خنجی) n-â-čest-om
 دارم می‌کشم (کرشی) kuštag-â-yân
 دارم می‌روم (گراشی) čez-â-'om
 دارم می‌روم (اوزی) čed-â-m
 دارم می‌بینم (اوزی) ded-â-m
 دارم می‌روم (لاری) a-čed-â-'em
 دارم می‌خواهم (لاری) a-xat-â-'em
 می‌خواهیدم (گویش کلیمیان همدان) dor-of-â-yân

ب. [-â]، که با همزه آغازی پس از واکه قرار می‌گیرد و در کردی کرمانشاه کاربرد دارد:

می‌بودم (کردی کرمانشاه) bū-'â-m (43)
 گذشته ساده فعل بودن در کردی کرمانشاه به صورت زیر است:

بودم (کردی کرمانشاه) bū-m

ج. [-yâ]، که پس از واکه [i] می‌آید و در کردی کرمانشاه به کار می‌رود:

می‌رفتم (کردی کرمانشاه) čī-yâ-m (44)
 درمی‌رفتم (کردی کرمانشاه) dar-čī-yâ-m
 می‌نوشتم (کردی کرمانشاه) nūsi-yâ-m

د. [-iyâ]، که در کردی کرمانشاه به کار می‌رود:

می‌خوردم (کردی کرمانشاه) xwârd-iyâ-m (45)
 می‌نشستم (کردی کرمانشاه) ništ-iyâ-m
 می‌گفتم (کردی کرمانشاه) wat-iyâ-m

گذشته ساده افعال اخیر در کردی کرمانشاه به صورت‌های زیر است:

خوردم (کردی کرمانشاه) xwârd-em
نشستم (کردی کرمانشاه) ništ-em
گفتم (کردی کرمانشاه) wat-em

۱۰. [ne]

این کلمه، که به معنی «در» است و معمولاً قبل از یک اسم قرار می‌گیرد، در بندرعباسی کاربرد دارد:

دارد نگاه می‌کند (بندرعباسی) ne-negâh-en (46)
دارند کار می‌کنند (بندرعباسی) ne-kâr-an
دارد درد می‌کند (بندرعباسی) ne-dard-en

۱۱. [anda-]

این وند، که کوتاه‌شده کلمه [andar] است، در تالشی میرزاق اردبیل به کار می‌رود:

می‌کوبم (تالشی میرزاق اردبیل) kuy-anda-m (47)
می‌جوم (تالشی میرزاق اردبیل) ĵuy-anda-m

۱۲. [kera] یا [kerâ]

این کلمه همراه با فعل می‌آید و در گویش‌های تاتی کلور و گیلکی رشت کاربرد دارد:

دارم می‌دوزم (تاتی کلور) kerâ-doĵ-em (48)
دارم می‌خورم (گیلکی رشت) kera-xurdən-dər-əm

۱۳. [awa]

این کلمه، که در اصل به معنی «این» است، با نشانه استمرار [da-] همراه می‌شود و تنها در گویش کردی مهاباد کاربرد دارد:

دارم می‌روم (کردی مهاباد) awa-da-ro-m (49)

۱۴. [ma] یا [ba]

این دو کلمه، که به معنی «به» اند، قبل از مصدر قرار می‌گیرند و تنها در گویش‌های بلوچی

وگوشی کاربرد دارند:

- 50) ma/ba-rawag-om (بلوچی) دارم می‌روم
 ma/ba-warag-om (بلوچی) دارم می‌خورم
 ma/ba-rawag-at-om (بلوچی) داشتم می‌رفتم
 ma/ba-warag-at-om (بلوچی) داشتم می‌خوردم
 ma-rawag-ân (کُوشی) دارم می‌روم
 ma-gašag-ân (کُوشی) دارم می‌گویم
 ma-rawag-ad-ân (کُوشی) داشتم می‌رفتم
 ma-gašag-ad-ân (کُوشی) داشتم می‌گفتم

۱۵. [hey] یا [hay]

این کلمات، همراه با نشانه‌های استمرار [mē-, mi-, e-, i-]، در گویش‌های لری بختیاری اردل و هروی به کار می‌روند:

- 51) hey-i-yâ-m (لری بختیاری اردل) دارم می‌آیم
 hey-e-r-om (لری بختیاری اردل) دارم می‌روم
 hay-mē-rēz-a (هروی) دارد می‌ریزد
 hay-hay-mi-duz-a (هروی) دارد می‌دوزد

۱۶. [bi-] یا [be-]

این دو وند، همراه با نشانه‌های استمرار [d-]، [e-] یا [ma-] در گویش‌های خوانساری، کاخکی، سدهی و گویش کلیمیان همدان دیده شده‌اند:

- 52) bi-d-xus-ân (خوانساری) می‌زنم (خوانساری)
 be-ne-m-ma-raf (کاخکی) نمی‌رفتم
 be-m-nevešt-e (سدهی) می‌نوشتم
 be-m-e-xort (گویش کلیمیان همدان) می‌خوردم

۱۷. فعل استمراری همراه با فعل التزامی

این گونه استمرار تنها در گویش لری بختیاری اردل دیده شده است:

- 53) e-r-om-be-r-om (لری بختیاری اردل) دارم می‌روم
 i-yâ-m-bi-yâ-m (لری بختیاری اردل) دارم می‌آیم

۱۸. فعل کمکی «ایستادن»

این گونه استمرار از اسم مفعول فعل اصلی همراه با گذشته نقلی یا گذشته دور فعل ایستادن ساخته می‌شود و تنها در تاجیکی کاربرد دارد:

- دارم می‌روم (تاجیکی) 54) rafta-'istō da-'am
داشتم می‌رفتم (تاجیکی) rafta-'istō da-bud-am

۱۹. فعل کمکی «داشتن»

این گونه استمرار، علاوه بر فارسی معیار و لهجه‌های آن، در گویش‌های کلیمیان اصفهان، کلیمیان بروجرد، کلیمیان همدان، گزی، جیرفتی، خانیکی، نائینی، سدهی، زابلی، دلیجانی، دری زردشتی، سبزواری، شاهرودی، کردی کرمانشاه، کردی روستای حریر، کردی کلیایی و لکی کاکاوندی قزوین به کار می‌رود:

- دارم می‌پوشم (گویش کلیمیان اصفهان) 55) dār-un-puš-un-c
داشتم می‌پوشیدم (گویش کلیمیان اصفهان) dārt-om-puš d-om-c
دارم می‌آیم (گویش کلیمیان بروجرد) dār-om-y-om
داشتم می‌آمدم (گویش کلیمیان بروجرد) dārt-em-omi-yom
داشتم می‌خوردم (گویش کلیمیان همدان) dārt-em-xort-em
دارم می‌خورم (گزی) dār-ân-xer-ân-e
دارم می‌خورم (جیرفتی) dār-om-a-xowar-om
داشتم می‌خوردم (جیرفتی) dāšt-om-a-xoward-om
دارم می‌خورم (خانیکی) dar-om-ma-xor-om
داشتم می‌رفتم (خانیکی) dāšt-om-ma-raft-om
دارم می‌نشینم (نائینی) dōr-i-hē-nig-i
داشتم می‌رفتم (نائینی) dōrt-i-šo-yi
دارم می‌آیم (سدهی) dār-ân-o-yân-c
داشت می‌آمد (زابلی) dešt-ə-mi-yoma-ϕ
داشت می‌رفت (دلیجانی) dard-eš-a-šd-a
داشتی می‌دویدی (دری زردشتی) dōšt-i-yo-davud-i
دارم می‌روم (سبزواری) der-om-me-r-om
دارم می‌خوانم (شاهرودی) dār-om-ho-xân-om
داشتم می‌رفتم (شاهرودی) dāšt-om-he-raft-om
دارم می‌روم (کردی کرمانشاه) der-em-č-em

dāšt-em-čī-yā-m (کردی کرمانشاه) داشتم می‌رفتم
 der-em-a-xwa-m (کردی روستای حریر) دارم می‌خورم
 dāšt-em-a-xwārd-em (کردی روستای حریر) داشتم می‌خوردم
 der-em-a-niš-em (کردی کلیایی) دارم می‌نشینم
 dāšt-em-a-niš-t-em (کردی کلیایی) داشتم می‌نشستم
 der-em-ma-x ân-em (لکی کاکاوندی قزوین) دارم می‌خوانم
 dāšt-em-ma-x ânâ-m (لکی کاکاوندی قزوین) داشتم می‌خواندم

۲۰. [dar-] و گونه‌های آن همراه با فعل «بودن»

در این نوع استمرار گونه‌های پیشوند [dar-] همراه با فعل بودن در گویش‌های گیلکی رشت، گیلکی حسن‌کیاده، گیلکی دستک، گیلکی املش، مازندرانی کلاردشت، مازندرانی ساری، مازندرانی کلیج‌خیل، مازندرانی تنکابن، مازندرانی سوادکوه و افتری به کار می‌رود. گونه‌های [dar-] به صورت‌های زیرند:

الف. [dar-]

56) xor(d)-dar-am (گیلکی حسن‌کیاده) دارم می‌خورم
 xor(d)-dar-a-bo-m (گیلکی حسن‌کیاده) داشتم می‌خوردم
 xor(d)-dar-am (گیلکی دستک) دارم می‌خورم
 xor(d)-dar-a-bo-m (گیلکی دستک) داشتم می‌خوردم
 dar-eme-bar-eme (مازندرانی کلاردشت) دارم می‌برم
 dar-eme-xor-eme (مازندرانی ساری) دارم می‌خورم
 dar-eme-xer-em-be (مازندرانی کلیج‌خیل) دارم می‌خورم
 dar-om-bo-x âr-om (مازندرانی تنکابن) دارم می‌خورم
 dar-em-be-xer-em-be (مازندرانی سوادکوه) دارم می‌خورم
 dar-i-ner-enn-i (افتری) دارم می‌نشینم

ب. [dər-]

57) xurdən-dər-əm (گیلکی رشت) دارم می‌خورم
 xordə-dər-əm (گیلکی املش) دارم می‌خورم

ج. [du-]

58) xurdən-du-bu-m (گیلکی رشت) داشتم می‌خوردم

د. [ar-]

59) sut-ar-am (گیلکی حسن‌کیاده) دارم می‌سوزم

داشتم می‌سوختم (گیلکی حسن‌کیاده) sut-ar-a-bo-m

ه. [dɔ-]

داشتم می‌خوردم (گیلکی املش) 60) xordɔ-dɔ-bo-m

و. [da-]

داشتم می‌بردم (مازندرانی کلاردشت) 61) da-bi-yame-bar(d)-imi-yame

داشتم می‌خوردم (مازندرانی ساری) da-y-me-xord-eme

داشتم می‌خوردم (مازندرانی کلیچ‌خیل) da-y-me-xerd-eme

داشتم می‌خوردم (مازندرانی سوادکوه) da-y-me-xerd-eme

داشتم می‌نشستم (افتری) da-bošt-i-mi-nerāšt-i

ز. [dâ-]

داشتم می‌خوردم (مازندرانی تنکابن) 62) dâ-bâ-m-bo-xâr-om

۲۱. بدون نشانه

استمرار در بعضی از صیغه‌های فعلی و در بعضی از گویش‌ها هیچ نشانه خاصی ندارد. این مورد را در گویش‌های گیلکی رشت، گیلکی حسن‌کیاده، گیلکی دستک، گیلکی املش، مازندرانی کلاردشت، مازندرانی ساری، مازندرانی کلیچ‌خیل، مازندرانی سوادکوه، تاتی کلور، تالشی طاسکوه ماسال، واران، بلوچی، نائینی، کردی کرمانشاه، گویش کلیمیان همدان و گویش کلیمیان بروجرد می‌توان یافت:

می‌خورم (گیلکی رشت) 63) xur-əm

می‌خورم (گیلکی حسن‌کیاده) xor-ama

می‌خورم (گیلکی دستک) xor-am

می‌خوردم (گیلکی دستک) xord-am

می‌خورم (گیلکی املش) xor-əm

می‌خوردم (گیلکی املش) xord-əm

می‌خورم (مازندرانی کلاردشت) xor-eme

می‌خورم (مازندرانی ساری) xor-me

می‌خوردم (مازندرانی ساری) xord-eme

می‌خوردم (مازندرانی کلیچ‌خیل) xerd-eme

می‌خوردم (مازندرانی سوادکوه) xerd-eme

می‌زنم (تاتی کلور) zan-em

می‌بینم (تالشی طاسکوه ماسال) vin-əm

xor-om (می‌خورم (وارانی)
 war-om (می‌خورم (بلوچی)
 xur-i (می‌خورم (نائینی)
 hē-nig-i (می‌نشینم (نائینی)
 hē-nigīšt-i (می‌نشستم (نائینی)
 xwa-m (می‌خورم (کردی کرمانشاه)
 ber-ân (می‌برم (گویش کلیمیان همدان)
 xort-em (می‌خوردم (گویش کلیمیان همدان)
 vâ-m (می‌گویم (گویش کلیمیان بروجرد)
 vâ-pars-om (می‌پُرسم (گویش کلیمیان بروجرد)
 vât-em (می‌گفتم (گویش کلیمیان بروجرد)
 xort-em (می‌خوردم (گویش کلیمیان بروجرد)

برای این که نبودِ نشانه استمرار در مثال‌های بالا روشن‌تر شود، در زیر چند مثال از گذشته ساده این افعال آورده می‌شود:

bu-xord-am (خوردم (گیلکی دستک)
 bu-xord-əm (خوردم (گیلکی املش)
 ba-xord-eme (خوردم (مازندرانی ساری)
 ba-xerd-eme (خوردم (مازندرانی کلیچ خیل)
 ba-xerd-eme (خوردم (مازندرانی سوادکوه)
 hē-nigīšt-i (نشستم (نائینی)
 be-m-xort (خوردم (گویش کلیمیان همدان)
 be-m-xor(t) (خوردم (گویش کلیمیان بروجرد)

نتیجه‌گیری

از مطالب فوق نتایج زیر حاصل می‌شود:

– نشانه استمرار را در گویش‌های ایرانی می‌توان به هشت طبقه کلی تقسیم کرد:

۱. گونه‌های [andar]، که به صورت‌های [anda-] (ش ۴۷)؛ [dar-]، [dər-]، [du-]، [ar-]، [da-]، [dā-] (ش ۵۶-۶۲)؛ [da-]، [de-]، [d-]، [ed-] (ش ۶-۱۶)؛ [a-] (ش ۷-۱۴)؛ [-en]، [-ən]، [-(e)m]، [-n] و [-(e)nn] (ش ۲۵-۲۸)؛ [-e] (ش ۱۵-۲۰)؛ [-i] (ش ۲۲-۲۳) و [-imi] (ش ۲۴) همراه با فعل کمکی بودن یا فعل اصلی به کار می‌روند.
۲. گونه‌های [hami]، که به صورت‌های [hemi-] (ش ۲۹)؛ [hen-]، [he-]، [ho(n)-]

- (ش ۳۰-۳۲)؛ [i-] (ش ۲۱)؛ [mi-]، [mo-]، [ma-]، [mâ-]، [me-]، [mē-]، [mey-]، [m-] (ش ۳۳-۴۰) و [o-] (ش ۴۱) در گویش‌های مختلف به کار می‌روند.
۳. گونه‌های [-â]، که به صورت‌های [-â]، [-â]، [-â]، [-yâ] و [-iyâ] (ش ۴۲-۴۵) به کار می‌روند.
۴. کاربرد فعل کمکی ایستادن همراه با فعل اصلی (ش ۵۴).
۵. کاربرد فعل کمکی داشتن همراه با فعل اصلی (ش ۵۵).
۶. کاربرد فعل استمراری همراه با فعل التزامی یا نشانه التزامی [bi-] و [be-] (ش ۵۲-۵۳).
۷. کاربرد کلماتی خاص، گاه به معنای «به» یا «در»، مانند [ma]، [ba]، [ne]، [awa]، [kera]، [kerâ] و [hey] یا [hay] به همراه فعل اصلی (ش ۴۶ و ۴۸-۵۱).
۸. بدون کاربرد نشانه‌ای خاص (ش ۶۳).
- نشانه استمرار، در گویش‌های ایرانی، هم به صورت وند و هم به صورت کلمه است.
- نشانه استمرار، در گویش‌های ایرانی، هم قبل از ستاک فعلی، هم بین ستاک فعلی و شناسه فعلی و هم پس از شناسه فعلی قرار می‌گیرد.
- گونه‌های [-i]، [-en]، [-on]، [-m(e)]، [-n] و [-nn(e)] تنها در گویش‌های گیلکی، تالشی، مازندرانی و افتری به کار می‌روند (ش ۲۲-۲۳ و ۲۵-۲۸).
- گونه [-e]، به صورت پسوند، پس از شناسه فعلی، تنها در گویش‌های گزی، سدهی، دری زردشتی و گویش کلیمیان اصفهان کاربرد دارد (ش ۲۰).
- در گویش دری زردشتی گرچه می‌توان [-e] را به صورت پسوند در پایان فعل به کار برد، غالباً، به صورت پیشوند، قبل از ستاک فعلی قرار می‌گیرد (ش ۱۵-۱۸ و ۲۰).
- گونه [-imi] تنها در مازندرانی کلاردشت کاربرد دارد (ش ۲۴).
- گونه‌های [-hemi] تنها در گویش شاهرودی کاربرد دارند (ش ۲۹-۳۲).
- گونه‌های [-â] و [-â] غالباً در گویش‌های بلوچی، خنجی، گُرش، گراشی، اوزی، لاری و گویش کلیمیان همدان به کار می‌روند (ش ۴۲).
- گونه [-â]، به صورت پیشوند، معمولاً از ترکیب وند استمرار [-a] و واژه قبل از آن به دست می‌آید (مثال‌های خنجی، ش ۴۲).

- گونه [anda-] تنها در تالشی میرزاق اردبیل به کار می‌رود (ش ۴۷).
- پیشوند [dar-] و گونه‌های آن همراه با فعل بودن تنها در گویش‌های گیلکی، مازندرانی و افتری کاربرد دارند (ش ۵۶-۶۲).
- نشانه استمرار [ne] تنها در بندرعباسی کاربرد دارد (ش ۴۶).
- نشانه‌های [kerâ] و [kera] تنها در تاتی کلور و گیلکی به کار می‌روند (ش ۴۸).
- نشانه‌های [ma] و [ba] تنها در بلوچی و گُرش به کار می‌روند (ش ۵۰).
- نشانه استمرار به صورت فعل کمکی ایستادن تنها در تاجیکی کاربرد دارد (ش ۵۴).
- پیشوند [da-] به همراه فعل اصلی تنها در گویش‌های کردی مهاباد و کردی خراسان کاربرد دارد (ش ۱-۳) و به همراه فعل کمکی بودن در گویش‌های مازندرانی و افتری (ش ۶۱).
- نبود نشانه استمرار بیشتر در گویش‌های گیلکی و مازندرانی مشهود است. به نظر می‌رسد نقش نشانه استمرار در این گویش‌ها به مرور زمان کم‌رنگ شده است (ش ۶۳).
- به نظر نگارنده و با توجه به شواهد موجود، می‌توان پیشوندهای [i-] (ش ۲۱) و [o-] (ش ۴۱) را گونه‌هایی از [hami] یا [mi-] دانست و پیشوند [c-] (ش ۱۵-۱۹) و پسوندهای [-i] (ش ۲۲ و ۲۳) و [-c] (ش ۲۰) را گونه‌هایی از [andar] یا [da-] به شمار آورد.
- به نظر می‌رسد گویش‌های گیلکی، مازندرانی و تالشی، از سویی، و گویش‌های بلوچی، لاری، خنجی و گونه‌های آنها، از سوی دیگر، از لحاظ نشانه استمرار، با دیگر گویش‌های ایرانی تفاوت بیشتری داشته باشند.

منابع

- آهني، محمدرضا، ۱۳۷۳، بررسی گویش ایبانه از توابع نطنز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه زبان‌شناسی دانشگاه تهران؛ ابوطالب، آذر، ۱۳۷۳، بررسی گویش تاتی در ینگی امام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه زبان‌شناسی دانشگاه تهران؛ اسماعیلی، محمدمهدی، ۱۳۷۴، گویش گزی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی دانشگاه شیراز؛ اشرفی خوانساری، مرتضی، ۱۳۸۰، «ویژگی‌های افعال در گویش خوانساری»، مقاله ارائه‌شده در نخستین هم‌اندیشی گویش‌شناسی ایران در فرهنگستان زبان و ادب فارسی؛ امیریان بوداللو، ربابه، ۱۳۸۰، گویش تالشی میرزاق استان اردبیل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، گروه زبان‌شناسی؛ پورعابدی نائینی، حسن، ۱۳۷۲، گویش نائینی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه زبان‌شناسی دانشگاه تهران؛ پولادی درویش، میترا، ۱۳۷۹، توصیف ساختمان فعل در گویش

بهدینان مرکز شهر یزد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، گروه زبان‌شناسی؛ ترقی اوغاز، حسنعلی، ۱۳۷۹، «ساختمان فعل در گویش کرمانجی خراسان»، مجله زبان‌شناسی، س ۱۵، ش ۲، ص ۵۹-۸۲؛ ثمره، یدالله، ۱۳۵۵، «پاره‌ای از ویژگی‌های دستوری گویش دری، گونه زین‌آبادی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، جشن‌نامه دکتر محمد مقدم، س ۲۳، ش ۴، ص ۵۱-۷۷؛ جعفری، محمدجواد، ۱۳۷۴، بررسی گویش سوادکوهی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه زبان‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ جلالی، لعلیا، ۱۳۷۹، گویش املشی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، گروه زبان‌شناسی؛ خنجی، لطفعلی، ۱۳۷۸، دستور زبان لارستانی بر مبنای گویش خنجی، انتشارات دانشنامه فارس؛ زمردیان، رضا، ۱۳۶۸، بررسی گویش قاق، انتشارات آستان قدس رضوی؛ ساداتی، سیدمجید، ۱۳۷۴، بررسی گویش دماوندی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه زبان‌شناسی دانشگاه تهران؛ سرمست دستک، داود، ۱۳۷۱، گویش گیلکی حسن‌کیاده (کیاشهر)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه زبان‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ سلطانی‌نژاد، فرشته، ۱۳۷۹، مقایسه گونه‌های زبانی بافتی و جیرفتی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه زبان‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ سمائی، سیدمهدی، ۱۳۷۰، بررسی گویش تنکابن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه زبان‌شناسی دانشگاه تهران؛ شکری، گیتی، ۱۳۷۴، گویش ساری، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ صفری، حسین، ۱۳۷۳، گویش دلیجان، ناشر: مؤلف؛ طاهری، عباس، ۱۳۷۰، گویش تاتی تاکستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه زبان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی؛ عبدلی، علی، ۱۳۶۳، فرهنگ تاتی و تالشی، انتشارات دهخدا، بندر انزلی؛ عمرانی، غلامرضا، ۱۳۷۸، «توصیف واجی گویش سیستان (شهر زابل)»، مجله زبان‌شناسی، س ۱۴، ش ۱ و ۲، ص ۱۰۶-۱۴۱؛ فتحی، آذر، ۱۳۷۱، ساخت فعل در گویش بندرعباسی، لهجه محله پشت شهر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه زبان‌شناسی دانشگاه تهران؛ فره‌وشی، بهرام، (۱۳۴۱)، تحلیل سیستم فعل در لهجه سده‌ای، ضمیمه مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، س ۱۰، ش ۲؛ کلباسی، ایران، ۱۳۶۲، گویش کردی مهاباد، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ —، ۱۳۶۷ الف، «دستگاه فعل در گویش لاری»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، س ۲۱، ش ۱، ص ۱۴۵-۱۷۰؛ —، ۱۳۶۷ ب، «ارگتیو در زبان‌ها و گویش‌های ایرانی»، مجله زبان‌شناسی، س ۵، ش ۲، ص ۷۰-۸۷؛ —، ۱۳۷۰، فارسی اصفهانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ —، ۱۳۷۱، «تنوع لهجه‌ها در گویش گیلکی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، س ۲۵، ش ۴، ص ۹۳۴-۹۷۶؛ —، ۱۳۷۳، گویش کلیمیان اصفهان (یک گویش ایرانی)، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ —، ۱۳۷۴ الف، «مقایسه‌ای میان گویش‌های کردی مهاباد، سنندج و کرمانشاه»، مجله علمی و پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء، س ۵، ش ۱۳ و ۱۴، ص ۵۹-۸۰؛ —، ۱۳۷۴ ب، فارسی ایران و تاجیکستان (یک بررسی مقابله‌ای)، دفتر مطالعات سیاسی بین‌المللی وزارت امور خارجه؛ —، ۱۳۷۶، گویش کلاردشت (رودبارک)، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ لباف خانیکی، مجید، ۱۳۸۰، «ساختمان فعل در گویش روستای خانیک»، ارائه شده در نخستین هم‌اندیشی گویش‌شناسی ایران در فرهنگستان زبان و ادب فارسی؛

مقیم، افضل، ۱۳۷۳، بررسی گویش بویراحمد، انتشارات نوید شیراز؛ نغزگوی کهن، مهرداد، ۱۳۷۳، بررسی گویش تالشی دهستان طاسکوه ماسال، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه زبان‌شناسی دانشگاه تهران؛ نیلی‌پور، رضا و محمد تقی طیب، ۱۳۶۴، «توصیف ساختمانی دستگاه فعل لهجه واران»، مجله زبان‌شناسی، س ۲، ش ۱ و ۲، ص ۵۱-۹۲ و ۸۱-۹۲؛ همایون، همادخت، ۱۳۷۱، گویش افتری، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ یوسفیان، پاکزاد، ۱۳۷۱، گویش بلوچی لاشاری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه زبان‌شناسی دانشگاه تهران.

Lambton, Ann K. S., 1938, *Three Persian Dialects*, The Royal Asiatic Society, London; MAHAMEDi, Hamid, 1979, "On the Verbal System in Three Iranian Dialects of Fārs", *Studia Iranica*, Paris, Tome 8, Fascicule 2, pp. 277-297; SAHIM, Haideh, 1994, "The Dialect of the Jews of Hamedan", in *Irano-Judaica III*, pp. 171-181; YARSHATER, Ehsan, 1989, "The Dialect of Borujerd Jews", in *AIO*, Edena curaverunt L. de Meyer et E. Haerinck, II, pp. 1030-1045; ----, 1989, "The Dialect of Ārān and Bidgol", *Studia Iranica*, Paris, Cahier 7, pp. 371-383; ----, 1996, "The Taleshi of Asālem", *Studia Iranica*, Paris, Tome 25, Fascicule 1, pp. 83-112.

